بخش عظیمی ازروایات رویت به غرض مبارزه با ظهور اولیه روایات عدد

شاگرد۲: این یک وجه شد. اما روایاتی که امام به جای اینکه رویت را بگویند، گفته اند با عدد حساب کن، اینها را چه میگویید؟

استاد: دو مطلب شد؛ قرینه داخلی ای که من عرض کردم دو معارض میتواند برایش بیاید. یکی فرمایش اوتاان بود که حضرت حرف آنها را نفی میکنند و میگویند حضرت اصلاً ناقص نگرفتند، اینکه اخبار از واقعه خارجی است. یکی دیگر آن سنخ روایاتی است که به خود همه مردم میگویند. میگویند شما پنجاه و نه روز بشمار و روزه بگیر. یعنی شعبان را ناقص گرفته‌اند.

شاگرد: آن توجیهی که شما میفرمایید درست، اما به عرف عام هم القاء میشود. یعنی کسانی که میگفتند بیست و نه روز روزه گرفتند، حضرت میفرمایند پیامبر سی روز روزه گرفتند. وقتی به آنها القاء میکنند خب آنها هم میخواهند چیزی بفهمند.

استاد: در آن حرفی نیست. یک روایت بود که از حضرت پرسید: ایابن رسول الله اینها که نقل میکنند دروغ میگویند؟! حضرت هم فرمودند: نه. گفت خب پس چطور است که شما چیز دیگری میگویید و آنها مطلب دیگری؟! حضرت فرمودند: «انّ الحدیث ینسخ کما ینسخ القرآن». یعنی حضرت تأیید میکنند کسانی که نقل میکنند نمیخواهند دروغ بگویند.

در اینجا هم اینها میگویند حضرت روزه ناقص گرفتند، در روایات اهل البیت هم خودشان فرمودند پیامبر خدا ناقص گرفتند، اینجا که محکم میگویند تام گرفتند، یعنی اگر راوی برگردد و سؤال کند حال واقعاً نگرفته اند؟! اینجا است که حضرت توضیح میدهند: وقتی ما میگوییم تمام آنها تام بوده یعنی چه. یعنی این توضیح میخواهد.

شاگرد: نیاز نبوده برگردد و سؤال کند. یعنی این قدر این روایت ظهور روشنی دارد. این معنای باطنی که فرمودید از روایت اگر مراد باشد، یک حرفی است، اما یک حرف هم این است که این روایت به عرف عام القاء میکند و یک مطلب واضحی از آن میفهمند. که دیگر سؤال ندارد. آنها میگویند بیست و نه روز، امام علیه‌السلام میفرمایند پیامبر همیشه سی روز روزه گرفته‌اند. مخاطب از این چه میفهمد؟

استاد: اگر تنها همین روایت بود، فرمایش شما درست بود. من از رسائل شیخ انصاری آوردم، وقتی شیخ میخواست از جمع های شیخ الطائفه دفاع کنند -در آخر بحث تعادل و تراجیح- گفتند در روایات به قدری خلاف ظاهر داریم که از این جمع هایی که شیخ میکند به مراتب خلاف ظاهر است. فراوان است. این را شیخ فرمودند. حال شما میگویید الآن عرف به این صورت میفهمد. وقتی عرف

از القای کلام غرضی دارد و از ظاهرش چیزی می‌فهمد که مراد چیز دیگری خلاف آن است، باید بعداً رد جمعش معلوم شود. فعلاً مقصودی دارند که با این القاء کلام فرمودند. ولذا اگر یادتان باشد که طیف وسیعی از روایات روی، عنایت خاص خود معصومین بود برای مبارزه با روایات عدد. اصلاً یکی بیان معصومین این بود که نگذارند روایات عدد جا بگیرد. چرا؟ چون از آنها غرضی بوده که آن ظاهرش نباید جا بگیرد. روایتی که حضرت فرمودند پاشو بیا بخور. یا آن روایتی که در سی ام شعبان برای حضرت غذا آوردند. اگر روایت عدد بود که حضرت روز سی ام شعبان را نمی خوردند و روزه می‌گرفتند. چون «شعبان ناقص ابدا». وقتی ناقص است و بیست و نه روز تمام شده، چرا حضرت روزه نگرفته اند؟! اما برای امام رضا علیه‌السلام غذا آوردند. وقتی شعبان ناقص است، روز سی ام امام رضا علیه‌السلام باید روزه باشند. وقتی وارد شد حضرت فرمودند بیا بخور. گفت آقا من روزه گرفته‌ام، گفتند چرا روزه گرفته‌ای؟ روایت معمر بن خلاد بود. گفت گفته اند «وفّق له»، فرمودند این برای حال نیست. بعد گفت حالا افطار بکنم؟ حضرت فرمودند نه. اما در آن روایت امام باقر علیه‌السلام حضرت امر کردند که بیا بخور. یعنی اصلاً مجال ندادند که او در روز سی ام شعبان بخواهد روزه بگیرد. محاملی که برای آن روایات بود، یکی-دو تا نبود.

در وسائل نگاه کنید -در باب رویت بیست و نهم- می‌پرسید «هل یکون الشعبان تامّا»، «هل یمکن ان یکون الرمضان ناقصا؟» حضرت سریع فرمودند بله، «صام رسول الله ناقص». یعنی از ناحیه معصومین عنایت بود به مبارزه با روایات عدد که حمل بر ظاهر شود.

بازبینی #1
ایجاد شده 9 آوریل 2026 12:51:53 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 آوریل 2026 12:56:32 توسط ... .